## چرا امام حسین با خانواده خود به کربلا رفت؟

عمل امام حسین (علیه السلام) نیاز به تفسیر و تبیین دارد همان گونه که قرآن نیاز به آن دارد، نیاز به تفسیر و تحلیل داشتن یک عمل نشانگر رمز و رازدار بودن و پیچیده بودن آن می باشد به گونه ای که وقتی به آن نگاه می شود سؤال های متعددی برای ناظر به وجود می آید. کثرت سؤال از نیاز به تفسیر حکایت می کند و هر گونه پاسخ به آنها نوعی تفسیر و تبیین می باشد.

علل همراهی خانواده امام از مکه تا کربلا

چه ضرورتی داشت امام حسین (علیه السلام) در این سفر، خانواده را همراه خود ببرد؟ چه اشکالی پیش می آمد که آنان را در مکه باقی گذارد تا در جوار خانه خدا عبادت کنند یا آنان را به همراه عبدالله بن عباس به مدینه بفرستد؟

آمدن زن و بچه همراه امام حسین (علیه السلام) هیچ گونه نقش منفی در نهضت امام و به پیروزی رسیدن آن نداشته است. آنچه مهم است اینکه آیا همراهی آنان با امام تأثیر مثبتی برای اسلام یا برای خود آنان داشته است یا خیر؟

اگر فرض شود همراهی خانواده امام با وی هیچ نقش مثبتی در اسلام، نهضت و... نداشته باشد باز بردن آنان به همراه خود، قابل توجیه است، زیرا که آنان خودشان خواستار همراهی با حضرت بودند و چندین بار که در طول مسیر اعلام کرد که هرکس می خواهد برگردد هیچ یک از آنان چنین خواسته ای را مطرح نکرد بلکه اگر در جاهایی امام می فرمود که همراهی آنان لازم نیست و می توانند برگردند آنان ناراحت می شدند. و حتی در کربلا و پس از آن هیچ یک نمی گفتند ای کاش به چنین سفری نمی رفتیم.

بنابراین بر فرضی که همراهی آنان با امام حسین (علیه السلام) هیچ نفع و ضرری نداشته باشد، باز رفتن آنان به همراه امام خواست شخصی آنان بوده و خودشان بر چنین مسافرت و چنین رنج و درد کشیدن هایی راضی و بلکه خوشحال بوده اند و ما نباید افراد را بر کاری که به دلخواه خود انجام داده اند و پدر به عنوان رئیس خانواده آنان را در خواستشان آزاد گذاشته و ضرر و زیانی برای دیگران نداشته، توبیخ یا محاکمه کنیم. بلکه باید از امام حسین (علیه السلام) درس مهربانی و مدیریت بیاموزیم که چنان با خانواده و کودکان مهربانی کرده که حتی در سخت ترین شرایط، حاضر نیستند او را تنها بگذارند.

اوج عشق خانواده به امام حسین (علیه السلام) را می توان از کلام «جون» غلام ابوذر فهمید. او که غلامی سیاه و هدیه ابوذر به امام حسین (علیه السلام) بود وقتی حضرت او را مرخص کرد تا برود و زنده بماند و به جای اینکه از آزادی خود خوشحال شود گریه افتاد و گفت: ... سوگند به خدا شما را رها نمی سازم تا خون سیاهم به خون های شما در آمیزد.( موسوعه کلمات الامام الحسین، ۴۵۲)

وقتی که یک غلام که همیشه خواستار آزادی است این چنین باشد، حساب دیگران و عشق و علاقه شان به امام روشن است. چنانکه عبدالله بن حسن که نوجوان بود و برای دفاع از عمویش از خیمه فرار کرد و وقتی شمشیری حواله امام حسین (علیه السلام) شد دست خود را جلو برد تا به این وسیله از امام دفاع کند و دستش قطع شد(همان، ص ۵۰۷)

فواید همراهی خانواده با امام

۱- مسلم است که اگر امام بدون زن و فرزند بلکه با هفتاد یا صد یا پانصد مرد جنگی از مکه به سوی کوفه رهسپار می شد، به راحتی ممکن بود که به آنان برچسب یاغی، مفسد، خارجی و... بزنند و در همان اولین برخورد در بیرون کوفه آنان را به عنوان خارجی و حَروُری از بین ببرند که در این صورت کشته می شدند و اثری از آنان در صفحه آن روز یا هر روز تاریخ باقی نمی ماند.

۲- بعید نبود که حکومتیان به عنوان لشکر فاتح به مکه یا مدینه حمله کنند و برای درس عبرت گرفتن به دیگران هر جنایتی فجیعی را درباره زن و فرزند امام مرتکب شوند، همان گونه که در واقعه حره با اهل مدینه چنین کردند.

امام حسین (ع)

۳- خانواده امام حسین (علیه السلام) توانستند پیام رسان حادثه کربلا باشند و در کوفه، شام، مدینه و بین راه، تنها کافی بود که خود را معرفی سازند که نوه ها و فرزندان نوه های پیامبرند و لااقل شامیان بفهمند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)، خویشاوندانی نزدیک تر از معاویه و یزید دارد که به فرمان یزید کشته و اسیر گشته اند.

۴- مقاومت خانواده امام بر انجام واجبات الهی درباره احکامی را که می رفت تا مندرس شود، زنده ساخت که از جمله آنها می توان اصرار آنان بر حفظ حجاب، حفظ خود از نامحرمان، جلوگیری از مورد دید واقع شدن، جلوگیری از اختلاط زن و مرد نام برد.( ر.ک: تاریخ الطبری، ۳۶۷/۴ تا ۳۷۹)

۵- نشان دادن راه مبارزه به تمامی مبارزان، که اگر خانواده خوب تربیت شد و خوب آموزش دید، در بحبوحه کار، همراه، همگام و هماهنگ با نهضت است، سخنان زنان در تقویت مردان برای دفاع از امام حسین (علیه السلام) و برای دفاع از اهل بیت، نشان می دهد که کار کردن بر روی خانواده و تربیت آنان اثر مهمی در پیشرفت کار دارد.

بی جهت نبوده که خداوند به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) فرمود: «و انذر عشیرتک الاقربین»( سوره شعراء، آیه ۲۱۴. و خویشان نزدیکت را هشدار ده) و به اهل ایمان دستور داده است: «قوا انفسک و اهلیکم ناراً وقودها الناس و الحجارة».( سوره تحریم، آیه ۶، خود و خانواده تان را از آتشی که سوخت آن مردم و سنگ است حفظ کنید)

به هر حال امام(علیه السلام) نشان داد که در دوران فراغت باید به انسان سازی پرداخت تا در روز حادثه آن انسان ها با مقاومت و فداکاری انسان را در راه هدف یاری دهند.

۶- نشان دادن قدرت روحی امام که حتی در بحبوحه جنگ، فشار دشمن، جراحت های زیاد، تشنگی و... از زن و فرزند خود غافل نمی شود و این نشانگر اوج روحی و کمال روحی امام است، که باید در چنان صحنه هایی بروز کند.

زیاد دیده شده که در تصادفات و غیره، فرد از خانواده و فرزندانش غافل می-شود و در لحظاتی تمام فکرش به خودش و نجات خودش معطوف است و گاهی حتی با نابودی آنان به دست خود، راه نجات خود را می پوید نشان دادن روحیه ای برعکس، حتی در آخرین لحظات آن گونه که در رجزهای امام حسین (علیه السلام) و کلماتش ظاهر است اوج روحیه او را می رساند نظیر: «من حسین بن علی هستم، سوگند خورده ام که سر تسلیم فرو نیاورم، از خانواده پدرم دفاع کنم، بر دین پیامبر حرکت می نمایم.»( ر.ک: موسوعه کلمات الامام الحسین، ۴۹۹. انا الحسین بن علی آلیت ان لا أنثنی احمی عیالات ابی امضی علی دین النبی)

یا کلام معروف امام حسین (علیه السلام) که خطاب به آن فرمود: اگر دین ندارید و از معاد نمی ترسید در این دنیایتان آزادمرد باشید ... من با شما می جنگم و شما با من می جنگید و زنان گناهی ندارند، تا من زنده ام سرکشان، یاغیان و جاهلانتان را از تعرض به خانواده ام باز دارید. با این کلمات نشان داد که غیرت و مردانگی در هر حالی ولو آخرین لحظه حیات باشد، خوب است، اگر زن و فرزند همراه او نبودند چنین پیامی را نمی توانست به این زیبایی بیان کند.

۷- آموزش اینکه دفاع از کیان اسلام و دفاع از عقیده و آرمان زن و مرد نمی شناسد و هرکس در حد توان خود می تواند در این امر مهم شریک باشد.

۸-  نمایاندن چهره واقعی دشمن، که در راه رسیدن به مقام، حتی ناجوانمردانه ترین شیوه ها را به کار می برد و زن و کودکان که از تعرض مصونند و در جنگ ها نباید مورد آزار و اذیت یا کمبود امکانات قرار گیرند را در معرض شدیدترین تضییقات قرار داد و حتی آنان را از آب منع کرد و علاوه بر مردان که تشنه جان دادند زنان نیز در حالت تشنگی شدید به سر می بردند.